

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political.

سیاسی

سپیل

۰۴ فبروری ۲۰۲۱

واقعه ۶ جنوری جلوه ای از شدت گیری تضاد های درونی طبقه حاکمه در امریکا

یکی از نقاط عطف تاریخ سیاسی معاصر ایالات متحده امریکا در دهه های اخیر، هجوم طرفداران فاشیست "ترمپ" به ساختمان "کاپیتول" (کاخ کنگره در شهر واشنگتن دی.سی) در بعد از ظهر ۶ جنوری ۲۰۲۱ (زمانی که قرار بود نتیجه انتخابات و ریاست جمهوری "بایدن" توسط کنگره تأیید شود) بود.

این هجوم فاشیست ها که به طور مستقیم و غیر مستقیم توسط کمپ ترمپ و ارتجاعی ترین و راست ترین محافل طبقه حاکم در امریکا سازماندهی و تشویق شد، نقطه ای در یک روند بود که برجسته تر از هر زمان دیگری ماهیت دمکراسی پوسیده بورژوائی در بزرگترین کشور امپریالیستی جهان را به نمایش گذارد. مردم بروشنی دیدند که در زمان بحران تلاشهای فاشیستی و حتی کودتای فاشیستی می تواند در امریکای "مهد دمکراسی" و "آزادی" نیز اتفاق بیفتد و آنقدر تکرار شود تا سرانجام به برآورده شدن اهداف ضد دمکراتیک و ضد مردمی عاملینش منجر شود.

شواهد و مدارک منتشر شده نشان دادند که این حرکت فاشیستها (که برخی از عاملان اصلی اش هنوز هم از مقامات نهادهای قدرت هستند) از مدتها قبل، به دقت برنامه ریزی شده بود و با هدایت افرادی صورت گرفت که دارای آموزشهای پولیسی، نظامی و شبه نظامی بودند. مقدمه چینی برای ۶ جنوری، از چندین هفته قبل و با توجیهات تبلیغاتی مانند ادعاهای ترمپ و عواملش مبنی بر "سرقت نتایج انتخابات" شروع شد.

در همین راستا، بخشهایی از حزب جمهوریخواه به قصد مشروعیت بخشیدن به ادعاهای ترمپ و همچنین خرید زمان برای اجرای حرکت ۶ جنوری، به مدت چندین هفته از تأیید ریاست جمهوری بایدن خودداری کردند. علاوه بر این، مقامات کلیدی در سازمان "سیا" و دیگر آژانس های اطلاعاتی امریکا به رغم هشدارهای متناوب در باره تشدید تحرکات گروه های فاشیستی طرفدار ترمپ برای سازماندهی خود، از تحقیق در مورد مقاصد عاملان واقعه ۶ جنوری که از مدتها قبل طرفداران خود را از طریق اینترنت تهییج و سازماندهی می کردند، خودداری کرده بودند. با مراجعه به فلم های منتشر شده می بینیم که مهاجمان برای ورود به کاخ کنگره با موانع زیادی روبه رو نشدند، زیرا که به عنوان مثال حتی نرده های حفاظتی بیرون ساختمان نیز از قبل توسط پولیس برداشته شده بود. (۱) در داخل ساختمان و حتی در حساس ترین قسمتهای آن نیز به ندرت نیروهای پولیس دیده می شدند. درحالی که از سال گذشته تاکنون مشاهده کرده ایم که چگونه همین نیروی پولیس که در مقابل فاشیستها موش شده بود، همیشه همراه با هزاران نیرو و گارد ملی به شکلی وحشیانه و مرگبار به تظاهرات مسالمت آمیز مردم (تظاهرات علیه خشونت پولیس) یورش برد،

همیشه تک تیراندازان مستقر روی ساختمانهای بلند و هلیکوپترهائی که روی جمعیت تظاهرکننده می چرخیدند، آماده بودند که مردم را در صورت ارتکاب به کوچکترین حرکت از نظر آنها غیرمجاز، به رگبار ببندند. اما چنین اتفاقاتی نه تنها علیه اوباش ترمپ در زمان هجوم به کاخ کنگره اتفاق نیفتاد، بلکه اولین روز تهاجم به کاخ کنگره عملاً در سکوت مقامات برجسته حزب دموکرات و دولت طی شد. به رغم تلاش دموکراتها جهت استیضاح ترمپ به دلیل این حادثه اما اکنون به نظر نمی رسد که "بایدن" و دولتش قصد داشته باشند که عمق ماجرا و سازمان دهندگان اصلی آن را افشاء کنند. حتی بایدن درخواست برخی از اعضای حزب دموکرات برای تأکید بر استعفای آن دسته از جمهوریخواهان را که در واقعه ۶ جنوری دست داشتند نپذیرفت، چه رسد به این که توطئه گران اصلی را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. بایدن علاوه بر تلاش برای سرپوش گذاشتن بر روی عاملان و جزئیات این هجوم فاشیستها، از دو حزب حاکم نیز خواسته که متحد شوند. "اتحاد"ی که در واقع منجر به باز کردن راه برای تهاجمات فاشیستی آینده که مردم امریکا از آن متضرر خواهند شد، می گردد.

پنهانکاری و ممانشات دموکراتها در رابطه با جزئیات ۶ جنوری، ناشی از حماقت یا ترس آنها از ترمپ و حامیانش نیست. دلیل این پنهان کاری ها این است که دموکراتها به عنوان نماینده بخشی از طبقه حاکم از این هراس دارند که پیگیری جدی در افشای جزئیات و اهداف سیاسی عاملان ۶ جنوری منجر به واکنش متری طبقه کارگر و توده های مردم و وقوع یک جنبش اجتماعی علیه سیستم و دولت حامی آن بشود که هم اکنون نیز نشانه های آن قابل مشاهده است. (۲)

هدف گردانندگان واقعه ۶ جنوری چه بود؟ آیا آنها برای تصاحب قدرت به کاخ کنگره یورش بردند؟ خیر. شاید ترمپ و طرفداران ناآگاهش تصور می کردند که با اشغال کاخ کنگره وی می تواند در مقام ریاست جمهوری باقی بماند. اما عناصر آگاه و سازماندهندگان واقعه ۶ جنوری می دانستند که چنین نتایجی از این اقدام حاصل نمی شود. عناصر آگاه طبقه حاکم که بروشنی می بینند نهادهای حاکمیت و اقتصاد سرمایه داری غرقاب در یک بحران اقتصادی مزمن در خطر تعرض از سوی توده های تحت ستم قرار گرفته اند، و این منجر به گسترش جنبشهای اجتماعی - انقلابی و به خطر افتادن موجودیت کل طبقه حاکم و سیستم سرمایه داری خواهد شد؛ می دانند که برای محافظت از سیستم خود، باید خود را برای روی آوردن به فاشیسم (در زمانی که همه روشهای دیگر شکست خورده باشند) آماده کنند. با توجه به این واقعیت، احتمالاً یکی از اهداف هجوم ۶ جنوری، محک زدن و سنجش عکس العمل نیروهای اجتماعی در سطوح مختلف جامعه (از طبقه کارگر گرفته تا طبقه حاکم، و از نیروهای اجتماعی در داخل امریکا گرفته تا خارج از آن) بوده است. (۳)

واقعیت دیگری که می توان از واقعه ۶ جنوری نتیجه گرفت، این است که با این که هنوز یک جنبش فاشیستی توده نی و تمام عیار در امریکا پا نگرفته، اما نمی توان تهدید دیکتاتوری فاشیستی را که اطراف "ترمپ" و حزب جمهوریخواه حامی وی در حال شکل گرفتن است، نادیده گرفت. به عنوان مثال، برخی نظرخواهی هائی که پس از واقعه ۶ جنوری انجام شدند نشان دادند که حدود ۴۳ درصد از جمهوریخواهان و ۲۰ درصد از کل امریکائی های واجد شرایط شرکت در انتخابات، از حرکت ۶ جنوری فاشیستها حمایت کردند. واقعیتی که تا حدودی ابعاد بحران کنونی و رشد تعداد رأی دهندگانی که به هر دلیل فریب وعده های ترمپ و این بخش از هیأت حاکمه امریکا را خورده و علناً از فاشیستها دفاع می کنند را به نمایش می گذارد.

نگاهی به عکس العمل دموکراتها به چنین اقدامات جمهوریخواهان، نشان می دهد نگرانی اصلی دموکراتها رشد فاشیسم نیست. نگرانی اصلی و دراز مدت آنها توسعه جنبش اعتراضی طبقه کارگر و توده های مردم آگاه امریکا است که منافع

همه جناح های طبقه حاکم بر این کشور امپریالیستی را مورد خطر قرار خواهد داد. به عنوان مثال عمده ترین اقدام "جو بایدن" و دیگر سران دموکرات در رابطه با حمله ۶ جنوری، علاوه بر کلید زدن به استیضاح دوم ترمپ (به عنوان اقدامی سمبلیک که بعید است بدون حمایت خود جمهوری خواهان به فرجامی برسد) درخواست از جمهوریخواهان برای استحکام "اتحاد" میان دو حزب بوده است. دموکراتها به سرکردگی بایدن که می روند تا کنترل مجلس سنا را هم چون دولت و کنگره در دست گیرند بی تردید وعده تقسیم قدرت و امتیازاتی در رابطه با سیاستها و انتخاب مقامات کلیدی را به جمهوریخواهان داده اند. (۴)

نگاهی به مراسم تحلیف رئیس جمهور امریکا و سخنرانی او در آن مراسم نیز می تواند بسیاری از این واقعیات را واضح تر نشان دهد. مراسم تحلیف بایدن در شرایطی برگزار شد که نظام سرمایه داری در امریکا و جهان با یک بحران بی سابقه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبه رو می باشد. اما بایدن در رابطه با وضعیت سیاسی جاری و سیاستهای دولت جدید، چیزی جز مثنی جملات عوامفریبانه و کلیشه ها و تحلیل های انتزاعی ارائه نداد. به عنوان مثال، بایدن در سخنرانی اش، پیروزی خود را "پیروزی یک هدف" و "جشن گرفتن پیروزی دموکراسی" خواند و بدون این که اسم ترمپ یا ماجرای ۶ جنوری را بیاورد، به شکلی بسیار مبهم به واقعه ۶ جنوری اشاره کرد و گفت که "... در این زمین مقدس، جایی که فقط چند روز پیش خشونت سعی در تزلزل بنیاد "کاپیتول" را داشت، ما به عنوان یک ملت انشعاب ناپذیر، در پناه خدا گرد هم آمده ایم تا انتقال صلح آمیز قدرت را همانطور که بیش از دو قرن انجام داده ایم، انجام دهیم".

بایدن هجوم به کاخ کنگره را به عنوان عملکرد موجودی انتزاعی به نام "خشونت" معرفی کرد، نه عملکرد افراد و جریانات مشخصی که از حمایت سیاسی و پشتیبانی بخشی از فاشیست ترین عناصر طبقه حاکم برخوردار بودند. او با این ترفند عوامفریبانه، از افشای عاملان واقعه ۶ جنوری و اهداف آنها نیز خودداری کرد. اگر به سخنرانی بایدن گوش بدهید، می بینید که اپیدمی مرگبار کرونا را نیز در حد "ویروسی که بیصدا به امریکا هجوم آورده" کوچک کرد و به این سؤال مطرح در افکار عمومی مردم امریکا جوابی هم نداد که به چه دلیلی دولت امریکا نتوانست جلو گسترش کرونا و مرگ روزانه هزاران نفر در اثر ابتلا به آن را بگیرد.

پوچ ترین بخش سخنان بایدن آنجا بود که گفت "غلبه بر این دشواریها" نیاز به "وحدت" دارد. اما منظور او از "وحدت"، همکاری میان کدام افراد و گروه ها است؟ و این "وحدت" بر پایه چه سیاستهایی می باشد؟

واقعیت این است که برای غلبه بر دشواریهای پیش روی جامعه امریکا (از جمله اپیدمی کرونا) سیاستهای جدیدی لازم هستند که با سیاستهای دولتهای قبلی تفاوت داشته باشند. از جمله آن که دولت جدید باید از خزانه مملکت و از جیب سرمایه داران ده ها میلیارد دلار را صرف اقدامات درمانی و واکسیناسیون و حمایت از میلیونها نفر از آمریکایی ها کند که کمرشان در زیر بار شرایط این اپیدمی و نتایج ناشی از آن خم شده است. اما اتخاذ چنین سیاستهایی صرف نظر از آن که دولت بایدن اراده آن را داشته باشد یا نه، تضاد بین بالائی ها را تشدید و به درگیری بیشتر میان جناح های حاکم منجر می شود.

حال ببینیم منظور بایدن از "اتحاد" و دیگر کلماتی که به زبان آورد چیست. او در بخشی از سخنرانی اش، با تشبیه مراسم تحلیف خود به مراسم امضای "اعلامیه آزادی بردگان" در جنوری ۱۸۶۳ توسط لینکلن، گفت "وقتی آبراهام لینکلن قلم را روی کاغذ گذاشت، گفت که «اگر نام من در تاریخ ثبت شود، برای این کار خواهد بود، و تمام روح من در آن است» ... امروز، تمام روح من در این است: ... اتحاد برای مبارزه با دشمنانی که با آنها روبه رو هستیم: خشم، کینه و نفرت، افراط گرایی، بی قانونی، خشونت، بیماری، بیکاری و ناامیدی".

این سخنان بایده نیز تماماً عوامفریبی بود. مراسم تحلیف او را نمی توان به مراسم امضای اعلامیه آزادی بردگان توسط لینکلن تشبیه کرد. زیرا که اولاً امضای اعلامیه آزادی بردگان توسط لینکلن بخشی از یک مبارزه مهم برای لغو برده داری بود. و دوماً لغو برده داری نه با تبلیغات عوامفریبانه در باره "وحدت" بلکه طی جنگ خونین داخلی حاصل شد. سوماً، بایده برای اینکه همه مشکلات جامعه را به گردن مفاهیمی انتزاعی و ثهی از محتوای اجتماعی بیندازد، "نفرت" که حاصل شکاف های طبقاتی و فقر و فلاکت توده هاست، "بیکاری" که ذاتی وضعیت اقتصادی - اجتماعی است و "بیماری" کرونا که پدیده ای خاص و بیولوژیک است را یک کاسه کرد تا به خیال خود، این واقعیت را پنهان کند که مشکلات و "دشمنان" جامعه به افراد و نهادهای اقتصادی و اجتماعی و سیاستها و منافع طبقه حاکم مربوط میشوند و از نظم سرمایه دارانه مستقر و سیاستهای طبقه حاکم ریشه میگیرند و ربطی به کلمات انتزاعی جدا از واقعیات ندارند.

سخنان بایده در رابطه با "اتحاد" نیز نه خطاب به طبقه کارگر و توده های مردم امریکا، بلکه خطاب به طبقه حاکم و نمایندگان سیاسی و نظامی آن (از هر دو حزب حاکم) که در مراسم نیز حضور داشتند، بود. او از ضرورت "اتحاد" میان جناح های مختلف درون طبقه حاکم در رو در روئی با مشکلاتی که طبقه حاکم با آن روبرو است (که بزرگترینشان، رشد روزافزون خشم و مبارزات کارگران و توده های آگاه مردم علیه سیستم و طبقه حاکم است) صحبت میکرد. از این رو بود که سخنان اطمینان بخش بایده خطاب به طبقه حاکم، موجب افزایش قیمتها و فعالیت در بازار بورس و... شد. دلیل این امر این است که بخش های مختلف طبقه حاکم اطمینان یافتند که در طول ریاست جمهوری بایده، تغییری اساسی در سیاستهای دولت ایجاد نخواهد شد و دولت بایده نیز مانند دولتهای پیشین به قیمت رنج و محرومیت بیشتر کارگران و بی چیزان و گرسنگان امریکا به حفظ منافع طبقه حاکم خواهد پرداخت. (۵)

علاوه بر این، نمایندگان سیاسی طبقه حاکم، و به ویژه حزب دموکرات کاملاً واقفند که هر گونه بررسی جدی در رابطه با واقعه ۶ جنوری و نیروهای سیاسی - اجتماعی ای که فاشیسم در امریکا را تقویت می کنند و افشای سیاست های دو حزب حاکم که گسترش فاجعه آمیز اپیدمی کرونا را موجب شدند، انفجارهای اجتماعی و سیاسی را به دنبال خواهند داشت که کل نظام سرمایه داری را تهدید می کنند.

با توجه به آنچه که گفته شد، میبینیم که واقعه ۶ جنوری ۲۰۲۱ نه یک رویداد تصادفی بلکه یکی از آن لحظه های تاریخی سیستم سرمایه داری بود که بخشی از طبقه سرمایه دار حاکم مجبور شد که در واکنش به تناقضات غیرقابل حل سیستم که با روشهای بدون خشونت قابل حل نیستند، دست به چنین اقدام شبه-فاشیستی بزند. این لحظه تاریخی اگر امروز در امریکا اتفاق افتاده، فردا میتواند در دیگر کشورهای "جهان دموکراتیک" نیز اتفاق بیفتد. زیرا که سیستم اقتصاد سرمایه داری همچنان به توسعه شرایط بسیار ظالمانه طبقاتی ادامه می دهد. فروپاشی تدریجی دموکراسی بورژوائی ریشه در بحران سیستم سرمایه داری دارد. در جامعه ای که غرق در نابرابری اقتصادی - اجتماعی روزافزون است، ثبات دموکراسی حتی در اشکال سرو دم بریده و بورژوائی آن غیرممکن است. در نتیجه، رشد گرایشهای فاشیستی در امریکا پاسخ بخشی از طبقه حاکم به بحران اقتصادی و حفظ برتری خود در رقابت های امپریالیستی و به ویژه مقابله با خشم طبقه کارگر است که از جنبه دیگر خود می تواند به سرعت منجر به گسترش مبارزه طبقاتی علیه سیستم حاکم شود.

اما یک واقعیت دیگر، این است که در حال حاضر طبقه کارگر (در امریکا و دیگر کشورهای جهان) از فقدان سازماندهی انقلابی رنج میبرد و در چنین شرایطی مقابله سازمانیافته و مبارزه برای نابودی فاشیسم برایش بسیار دشوار است. در نتیجه، اولین وظیفه طبقه کارگر آگاه، تلاش برای رفع موانعی است که سر راه سازماندهی انقلابی

طبقه و ایجاد و گسترش جنبشی کمونیستی که تضادهای طبقاتی در جامعه امریکا هر روز زمینه های بیشتری برای تقویت آن بروز می دهند، وجود دارند.
دی ماه [جدی] ۱۳۹۹

زیرنویس ها:

(۱) برخی از اعضای حزب دموکرات اعلام کردند که چند روز پیش از ۶ جنوری متوجه رویدادهائی مانند قطع آذیرهای خطر در دفاتر کارشان، برگزار شدن تورهای بازدید (شناسائی) در کاخ کنگره توسط نمایندگان جمهوریخواه برای افراد مشکوک، و ... بوده اند. در این رابطه به این لینک رجوع کنید: <https://www.commondreams.org>

(۲) دلیل این امر در واقع این است که گرایش به فاشیسم منحصر به ترمپ و بخشی از حزب جمهوریخواه نیست. طبقه حاکم بر امریکا اگر لازم بداند، برای حفظ منافع خود در زمان دولت بایدن و دولتهای بعد از او نیز به عملکردهای فاشیستی متوسل خواهد شد. فاشیسم محصول سلطه بورژوازی بحران زده است و دولت بایدن (دمکراتها) نیز با هر تفاوت تاکتیکی که با جناح دیگر طبقه حاکم یعنی جمهوری خواهان داشته باشد، یک دولت بورژوازی و نماینده سیاسی بورژوازی حاکم بر امریکاست.

(۳) اینگونه تلاش های فاشیستی دارای نمونه های موفقی در قرن بیستم نیز بوده اند. به عنوان مثال بورژوازی حاکم بر آلمان در سال ۱۹۲۳ که ضرورتی برای استقرار فاشیسم در آن زمان نمیدید، هیتلر را دستگیر و زندانی کرد. اما همان طبقه حاکم، ۹ سال بعد از آن، برای مقابله با بحرانهای اقتصادی و رقبای امپریالیست آلمان، هیتلر را بر مسند قدرت نشاند تا منافع همان طبقه را حفظ کند. از آنجا که هیتلر هرگز در انتخابات پیروز نشد و بیشترین میزان آرای حزب او ۳۷ درصد (در انتخابات ۱۹۳۲) بود، که تقریباً با مجموع آرای احزاب سوسیال دموکرات و حزب کمونیست آلمان برابر بود و هیچ دولت اکثریت نمیتوانست تشکیل شود، طبقه حاکم بر آلمان با هدف مقابله با جامعه ای که به طور روزافزون به چپ و رادیکالیسم میگروید، هیتلر را به مقام صدراعظمی منصوب کرد و پس از مدت کوتاهی قانونی را تصویب کردند که به هیتلر قدرت دیکتاتوری محض میداد که بتواند قوانین دیکتاتوری جدیدی را بدون نیاز به تصویب در مجلس، به جامعه تحمیل کند.

(۴) به عنوان مثال بایدن اعلام کرد که لایحه جدیدی را در رابطه با اپیدمی کرونا تصویب خواهد کرد که بر اساس آن جمهوریخواهان حق وتوی مقرراتی مانند مصونیت قانونی برای کارفرمایانی که کارگزارانشان در اثر ابتلا به کرونا در محل کار فوت کرده اند، را داشته باشند.

(۵) در این رابطه به این لینک مراجعه کنید: <https://www.cnbc.com/2021/01/15/biden-heads-into-inauguration-with-a-stock-market-tailwind.html>

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۵۸ ، دی ماه [جدی] ۱۳۹۹